

خبر

دبیر شورای نگهبان:

در احراز صلاحیت‌ها از سپاه کمک می‌گیریم

● ایسنا: احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، گفت: اخلال در امنیت، جنگ با خدا و پیامبر است و کسانی که ناامنی ایجاد می‌کنند اهل فساد بر روی زمین هستند و مجازاتشان نیز سنگین است. جنتی در ادامه به بحث همکاری نیروی انتظامی با شورای نگهبان در انتخابات‌های اخیر اشاره کرد و افزود: نیروی انتظامی همکاری خوبی با ما دارد و هر اطلاعاتی که ما می‌خواهیم به ما ارائه می‌دهد. وی گفت: در انتخابات گذشته مجلس صلاحیت داوطلبان باید احراز می‌شد تا کسانی که سابقه سوئی دارند ردصلاحیت شوند و کسانی که سابقه خوبی دارند تأیید شوند. دبیر شورای نگهبان ادامه داد: ما در احراز این صلاحیت‌ها از نیروی انتظامی کمک می‌گیریم و آنها نیز کمک می‌کنند، حتی در این مقوله از سپاه و دستگاه‌های امنیتی نیز کمک دریافت می‌کنیم و ما حاصل این جمع‌بندی‌ها به نتیجه احراز صلاحیت داوطلبان می‌رسیم. وی گفت: در بحث انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۱۲ هزار نفر ثبت‌نام کرده بودند که جای سؤال دارد چرا این همه ثبت‌نام می‌کنند، هرچند که اکثر آنها به دلیل عدم احراز صلاحیت تأیید نمی‌شوند؛ یعنی مشخص نیست که چه‌کاره است و شناسایی نمی‌شوند. جنتی در ادامه به انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر اشاره کرد و افزود: نیروی انتظامی در این انتخابات نیز همکاری خوبی با ما داشت، به‌ویژه که از برخی جهات انتخابات سنگینی داشتیم و با گذشته فرق داشت. دبیر شوای نگهبان گفت: دنیا باید حسرت داشتن چنین مردمی را بخورد. در هیچ‌جا مردم این چنین در رأی‌گیری شرکت نمی‌کنند، اما در اینجا مردم با علاقه؛ از بیزنس و بیرمرد تا جوان پای صندوق‌های رأی می‌روند.

ادامه از صفحه اول

اختلاف؛ تیشه به ریشه اتحاد

همه این حوادث درنهایت باعث شد امام‌حسن(ع) با معاویه صلح کند. وضعیت کوفیان، نتیجه ازبین‌رفتن دین و صفات انسانی در میان مردم بود. امیرالمؤمنین در خطبه ۳۹ می‌فرماید: «گرفتار مردمی شده‌ام که وقتی فرمان می‌دهم اطاعت نمی‌کنند و چون فرامی‌خوانم پاسخ نمی‌دهند. ای مردم بی‌ریشه! برای یاری به پروردگار در انتظار چه نشست‌اید؟ آیا دینی نیست که شما را متحد سازد؟ آیا غیبتی ندارید که خشم شما را برانگیزد؟». حوادث تروستی روز چهارشنبه تهران و واکنش‌های مردم به این حادثه نشان داد که اتحاد و انسجام زیادی در ایران وجود دارد. به فرموده امیرالمؤمنین، دین و انسانیت در ایران زنده است. فرقه‌های اسلامی موجود در ایران همگی بر غیراسلامی‌بودن این حملات تأکید کردند. بنابراین بهتر است برخی از افراد با تحلیل‌های خود، انسجام مردم ایران را به‌هم نزنند و در ایران منافع بقیه کشورها را دنبال نکنند.

ادامه از صفحه ۱۷

قالیباف دوباره به دولت حمله کرد

شهردار تهران با اشاره به احداث خط بی‌آرتی در مسیر خط ۴ گفت: آن زمان بر اساس نظر کمیسیون عمران، خط بی‌آرتی مفید تشخیص داده نشد، اما ما برآوردهایی که انجام دادیم، متوجه شدیم این مسیر، هم ظرفیت مترو و هم بی‌آرتی دارد و درحال‌حاضر می‌بینیم که شهروندان با چه سختی‌هایی از حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کنند و این خیابان ظرفیت احداث یک طبقه دیگر را هم دارد. وی با بیان اینکه شهرداری در خط ۶ رکورد کار و مدیریت را زده است، گفت: این خط در کمتر از ۲۰ ماه، هم حفاری شده، هم لاینینگ و هم ریل‌گذاری و طولانی‌ترین خط متروی تهران است.

شهردار تهران در ادامه با حمله دیگری به دولت و منتقدانش با بیان اینکه مهم‌ترین درسی که می‌توانیم از این پروژه بگیریم این است که فعل خواستن و توانستن به‌درستی در این پروژه، هم صرف شد و هم عمل شد، گفت: «برای افرادی متأسف هستیم که کارشناس نیستند و قلم می‌زنند یا کارشناس هستند، اما اغراض سیاسی در قلم آنهاست. کسانی که مغرضانه قلم می‌زنید، بدانید ما به تقاطع هم‌سطح، پل، تونل، زیرگذر ... نیازمندیم؛ مشکل هم در مدیریت‌های غلط شماس‌ت که هرروز حداقل هزار خودرو به این شهر وارد می‌شود، این در حالی است که می‌توانید جلو این کار را بگیرید. ما در وظایف خودتان کوتاهی می‌کنید و بار را بر دوش شهرداری می‌گذارید.»

شهردار تهران تأکید کرد: مردم ما یادشان است که حداقل انوبوس‌ها را داشتند و یک اتوبوس کولردار در شهر خدمات‌دهی نمی‌کرد. حتی یک خط بی‌آرتی در این شهر نبود، اما امروز شهر تهران ۱۱ خط بی‌آرتی دارد.

سعید برآبادی، تازه‌ترین سخنرانی مقام معظم رهبری، اصطلاحی را در شبکه‌های اجتماعی زنده کرده که از آن با هشتک «آتش به اختیار» یاد می‌شود. نگرانی‌هایی هم در این زمینه مطرح شده است. با وجود این نگرانی‌ها، عباس عبدی، تحلیلگر مسائل سیاسی، در این مصاحبه به خوانندگان «شرق» اطمینان خاطر می‌دهد که **اولا رعایت قانون و تشویق مردم به رعایت آن**، اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین دغدغه رهبری بوده و در ثانی، در صورت بروز هرگونه تحرکی **خلاف قانون**، این رهبری **نظام است که پیش از همه، با آن برخورد خواهد کرد**.

✎ خطاب رهبری در استفاده از عبارت «آتش به اختیار» چه گروه‌هایی بودند و برداشت شما از کاربرد این اصطلاح در سخنرانی اخیر ایشان چیست؟ آیا نگرانی‌ای درباره سوءاستفاده‌های احتمالی از این عبارت میان برخی گروه‌ها وجود ندارد؟

برداشت نخست من از تمام حرف‌وحديث‌های پیرامون عبارت «آتش به اختیار» که رهبری در سخنان خود به آن اشاره کردند، این است که این نگرانی‌ها بی‌جا و بیهوده است. باید توجه داشت که نه‌تنها رهبری، بلکه هیچ فرد دیگری، در یک سخنرانی تمام حرف‌های خود را

تفسیر تحلیلگران از سخن مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان

«آتش به اختیاری» بی‌قانونی نیست

اغلب جناح‌های سیاسی وجود دارد و هرکدام با تحلیل‌های ناپخته خود، آنچه را که دلشان می‌خواسته، در این مسیر بیان کردند؛ اما برخی افراد که این واژه را نماد عینی ایجاد هرج‌ومرج در کشور تفسیر می‌کردند نیز بی‌انصافی زائدالوصفی را به نمایش گذاشتند که تبعات آن باعث ایجاد چنددستگی در کشور خواهد شد. برخی فعالان کج‌فهم در رسانه‌های مخالف، این‌طور وانمود کردند که آتش به اختیاری یعنی مجوز فعالیت غیرقانونی؛ اما واقعا رهبر معظم انقلاب می‌توانند با آن همه بیاناتی که در تأکید به رفتار قانونی دارند، دستور به هرج‌ومرج و بی‌قانونی بدهند؟.

در ادامه این یادداشت آمده است: «می‌توان این‌طور برداشت کرد که آتش به اختیاری برای کار تبیینی است؛ آتش به اختیاری برای مطالبه‌گری است... البته نباید فراموش کرد که هرکسی نمی‌تواند این وظیفه آتش به اختیاری را بر عهده بگیرد و فردی که می‌خواهد چنین کارهایی را داشته باشد، ابتدا باید قوانین و حدود اختیارات دستگاه‌ها را مطالعه کرده باشد تا ضعف را شناخته و در حدود قانون به جامعه آگاهی ببخشد». به نوشته این روزنامه: «نه قاصرانی که ناخواسته موجب اختلال شدند باید هراس داشته باشند و نه کسانی که می‌خواهند به بیانات رهبری عمل کنند باید فراقانونی کاری انجام دهند. در این مسیر تنها کسانی باید لزان شوند که قصورشان عمدی است یا خواستشان به‌انحراف‌بردن بیانات رهبری با اقداماتی خودسرانه است».

روزنامه خراسان هم در سرمقاله خود نوشته: «ظاهرا عبارت «آتش به اختیار» می‌تواند به معنای همان اصطلاح «خودجوش» باشد که ایشان در سال‌های گذشته بارها آن را به کار برده‌اند. براین اساس، دستور رهبر انقلاب درباره آتش‌به‌اختیاربودن نیروهای فرهنگی، تأکید بر برنامه‌ریزی و فعالیت خودجوش فرهنگی دارد. البته در دیدار اخیر نیز ایشان توصیه کردند که اگر فهمیدید که اقدامات نادرست است از همان‌جا متوقفش کنید و راه را برگردانید. اندیشه یک متفکر، حاصل یک منظومه فکری و هم‌نشینی اصول و فروع در کنار یکدیگر است. برای درک دقیق عباراتی که چالش‌برانگیز است، باید سعی کرد از سایر سخنان او استفاده کرد».

ارتقای انقلابی‌گری

روزنامه جوان هم روز گذشته در یادداشتی نوشت: «کلیدواژه «آتش به اختیار» در فضای مجازی و رسانه‌ای با برداشت‌ها، تعبیر و تفسیرهای متفاوت و حتی بعضی‌جاها

سیاست

نگاهی به اصطلاح «آتش به اختیار» در گفت‌وگو با عباس عبدی

جای نگرانی نیست

بیان نمی‌کند و می‌توان برای درک برخی از مطالب مطرح‌شده در یک

سخنرانی، به سخنان ایشان در سخنرانی‌های قبلی و بعدی توجه کرد.

✎ چه کنیم تا مانع از سوءاستفاده‌های احتمالی شویم؟

بحث استفاده از اصطلاح نظامی «آتش به اختیار» است که به نظر می‌رسد تا حدودی حساسیت‌برانگیز شده است. استفاده از اصطلاحات نظامی در سخنرانی‌ها، کم‌وبیش رایج بوده و امری سلیقه‌ای محسوب می‌شود؛ اما زمانی که به دیگر سخنرانی‌های ایشان دقت می‌کنید، می‌بینید اساسا رعایت قانون، مسئله کلیدی و بنیادین مقام معظم رهبری است. اصولا رهبری یک جامعه نمی‌تواند از اجرای قانون و تشویق عموم مردم به اجرای قوانین سر باز برند. بارها ایشان در سخنرانی‌های مختلف خود به مسئله قانون و حرکت در چارچوب قانون اشاره کرده‌اند و با این حساب، اصطلاحی مانند «آتش به اختیار»، نباید هیچ نگرانی‌ای را در جامعه در رابطه با حرکت‌های خارج از این چارچوب ایجاد کند. واقعیت این است که نظام ما مدت‌هاست این مرحله را پشت سر گذاشته که گروهی خودش بخواهند به بهانه چنین اصطلاحاتی، دست به تحرکات خلاف قانون بزنند و مطمئن باشید به محض بروز اولین مسئله، با برخورد و عتاب شخص رهبری مواجه

روزنه

روایت مسئول دفتر علاءالدین بروجردی از حمله به مجلس



● ایسنا: حسام خوشبین‌فر، مسئول دفتر علاءالدین بروجردی، نماینده بروجرد که در زمان وقوع حادثه ترورستی مجلس به دلیل کمین یکی از تروریست‌ها، چهار ساعت در اتاقش محبوس شده بود، اتفاقات این حادثه را این‌گونه تعریف کرد:

ساعت ۱۰:۱۵ صبح روز چهارشنبه بود که بنده به همراه دو ارباب‌رجوع در دفتر آقای بروجردی واقع در ابتدای راهروی طبقه چهارم نشسته بودم. یکی از این مراجعه‌کننده‌ها خانمی بود و دیگری یکی از شهروندان بروجردی بود که برای پیگیری کارش به تهران آمده بود. زمانی که صدای تیر آمد، فکر نمی‌کردم که به مجلس حمله شده؛ چون اصلا کسی چنین فکری به ذهنش خطور نمی‌کرد. آن خانم نله‌ای که می‌خواست، نوشتم و به او دادم و آن خانم از آسانسور پایین رفت. آن آقای نیز به همراه یک نفر دیگر از راه‌پله‌ها به سمت طبقه همکف رفت.

ظاهرا آن خانم از آسانسور که پیاده می‌شود، با تروریست‌ها مواجه شده و حتی در معرض تیراندازی آنها قرار می‌گیرد؛ اما پناه گرفته و خوشبختانه صدمه‌ای نمی‌بیند. آن آقای مراجعه‌کننده و همراهش نیز که از راه‌پله‌ها به پایین می‌رفت، با تروریست دیگری روبه‌رو می‌شود. یکی از آنها خود را از طبقه دوم به اول پرت می‌کند که خوشبختانه تیر نمی‌خورد؛ اما همراه او تیر خورده و زخمی می‌شود.

بنده در همه این اتفاقات در اتاقم مشغول بودم، با تلفن صحبت می‌کردم و باز هم فکر نمی‌کردم که حمله شده؛ چون در ابتدا تیراندازی‌ها پشت سر هم نبود و با خودم تصور می‌کردم که قسمتی از مجلس در حال تعمیرات است. در این هنگام آقای فلاح؛ آبدارچی مجلس، از راه‌پله طبقه سه وارد اتاق بنده در طبقه چهار شد و گفت که حمله تروریستی شده، در اتاق را قفل و موبایل‌ت را بی‌صدا کن و صدای تلفن‌ها را قطع کن. من هم همین کار را کردم. شهید فلاح بعد در راهروی طبقه چهار به بقیه بچه‌ها هم با فریاد گفت که حمله تروریستی شده، شوخی نگیرید و به اتاق‌هایتان بروید. شهید فلاح در همین زمان که می‌خواست از راه‌پله برود، با یکی از تروریست‌ها روبه‌رو می‌شود. فکر می‌کند که یک نفر به مجلس حمله کرده؛ پس می‌خواهد اسلحه‌اش را بگیرد؛ اما تروریست دیگر او را به رگبار می‌بندد.

من از ساعت ۱۰:۱۵ تا دو بعدازظهر داخل اتاق درسته خود را محبوس کرده بودم. آن طرف در یکی از تروریست‌ها بود که در ابتدای راهرو یعنی مقابل دفتر ما کمین کرده بود. موقعیت دفتر آقای بروجردی طوری است که بین باگرد و ابتدای راهرو قرار دارد. اگر تروریست‌ها می‌خواستند فرار کنند، باید از راه‌پله و اتاق آقای بروجردی فرار می‌کردند و راه دیگری نبود؛ به‌این‌دلیل یکی از آنها سه ساعت پشت در من بود و من صدای حرف‌زدنشان و حتی ناسزاگفتن‌شان را آن هم به زبان فارسی می‌شنیدم. معجزه خدا این بود که این تروریست در اتاق را نشکست. فقط امتحان کرد دید که اتاق قفل است و بعد هیچ کار دیگری نکرد.

ساعت دو صدای تیراندازی زیاد شد و بچه‌های سپاه به طبقه چهارم یورش آوردند. در این هنگام این تروریست خواست که در اتاق من را بشکند که بچه‌های سپاه به کمک آمدند و این تروریست سمت دیگر راهروی طبقه چهار پشت سرویس بهداشتی پناه گرفت و تیراندازی می‌کرد. در این هنگام یکی از بچه‌های سپاه جلوی در اتاق آمد و پرسید که کسی هست. من خودم را نشان دادم و از من خواست در اتاق خارج شوم. او با ازخودگذشتگی خود را سپر من قرار داد و خواست که از راه‌پله به سمت پایین بروم. در آنجا بود که محل شهادت شهید فلاح را دیدم و بسیار متقلب شدم. البته وقتی خواستم از اتاق بیرون بیایم، آن تروریست شلیک کرد که جای گلوله‌ها در انتهای راهرو و نزدیک دفتر ما وجود دارد. به‌هرصورت با رشادت بچه‌های سپاه من به طبقه همکف رفتم. در آنجا با سردار عزیزی روبه‌رو شدم. او از من پرسید که آیا آنها به زبان فارسی صحبت می‌کردند؟ من هم گفتم آنها کلا همه صحبت‌ها به حتی فحش‌هایی را که لایق خودشان بود، به فارسی می‌گفتند. وقتی که وارد همکف شدم، دو جنازه شهید را دیدم که در حال انتقال به بیرون بودند. در نهایت نیز به سمت کمیسیون‌های مجلس رفتم که آقای بروجردی را دیدم. او من را بغل کرد و خدا را شکر گفت و در کمیسیون امنیت ملی نماز جماعت خواندیم.